

تقریر درس خارج فقه هوش مصنوعی (AI) حضرت استاد آیت الله محسن اراکی رحمته الله

مقرر	مرتضی اسدیان لایمی	جلسه	۰۷	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۰ / ۱۶
عنوان اول	تیین معانی سه گانه موضوع در لسان اصولیین				
عنوان دوم	وجوب فحوص و انواع آن در احکام شرعی				
عنوان سوم	جایگاه هوش مصنوعی در تحصیل یقین و قطع نوعی				
عنوان چهارم	هوش مصنوعی و مسأله مسئولیت پذیری در تقلید				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به بررسی تخصصی مفهوم «موضوع» در اصطلاح اصولیین، انواع «فحص» (تحقیق) در احکام شرعی و جایگاه هوش مصنوعی در نیل به یقین و فرآیند تقلید می پردازد. گزیده مباحث مطرح شده به شرح زیر است:

۱. تییین معانی سه گانه «موضوع»

در لسان اصولیین، واژه «موضوع» در سه معنای متمایز به کار می رود:

❖ موضوع در مقابل محمول (معنای منطقی): نقشی که یک واژه در ساختار قضیه ایفا می کند؛ مانند: «زکات» در قضیه «الزکاة واجبة».

❖ موضوع در مقابل متعلق: در احکام شرعی، «متعلق» همان فعل مکلف است که طلب به آن تعلق گرفته؛ مانند: حج؛ اما «موضوع» امری است که وجود آن مفروض گرفته شده تا حکم محقق شود؛ مانند: استطاعت.

❖ موضوع به معنای امر خارجی: کاربرد این اصطلاح در «شبهه موضوعیه» است؛ جایی که حکم کلی روشن است؛ اما در مصداق خارجی شک وجود دارد؛ مانند شک در تذکیه یا میتة بودن یک گوشت خاص.

۲. انواع وجوب فحص در احکام

استاد رحمته الله سه مرتبه برای فحص و جست وجو در مسیر دین داری برمی شمارد:

❖ فحص قبل از تشریح: تحقیقی کلامی و عقلی برای اثبات وجود شارع و اصل دین (وجوب نظر).

❖ فحص از ادله احکام (وظیفه مجتهد): جست وجو در منابع برای دستیابی به ادله تفصیلی احکام پس از پذیرش اصل تشریح.

❖ فحص از عالم (وظیفه مقلد): تلاش برای یافتن مجتهد جامع الشرائط جهت رجوع به فتوای او.

۳. نقش هوش مصنوعی؛ از قطعیت تا مسئولیت پذیری

در این بخش، نسبت میان خروجی های هوش مصنوعی و اعتبار شرعی آنها بررسی شده است:

❖ **قطع شخصی و نوعی:** هوش مصنوعی اگر بتواند برای متخصص «قطع نوعی» (اطمینانی که عقلا به آن استناد می‌کنند) ایجاد کند، می‌تواند ابزاری برای فحوص مجتهد باشد.

❖ **عدم صدق عنوان «عالم» بر هوش مصنوعی:** از آنجا که هوش مصنوعی فاقد قدرت تشخیص مستقل و اراده است، عنوان «عالم» یا «اهل ذکر» بر آن صدق نمی‌کند؛ لذا نمی‌تواند مرجع تقلید باشد.

❖ **مسئولیت‌پذیری؛** مرز میان انسان و ماشین: جوهره تقلید، «تحمیل مسئولیت موافقت با واقع بر عهده مجتهد» است. هوش مصنوعی چون فاقد حیات و عقل - به معنای حقیقی - است، نمی‌تواند بار مسئولیت شرعی اعمال مکلف را به دوش بکشد. به همین دلیل، حتی با فرض ایجاد یقین، هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین مجتهد در مقام افتا و تقلید شود.

نتیجه‌گیری: هوش مصنوعی تنها به‌عنوان یک ابزار پیشرفته برای تحصیل علم در فرآیند فحوص - توسط مجتهد یا متخصص - معتبر است؛ اما به دلیل ناتوانی در «مسئولیت‌پذیری»، فاقد صلاحیت برای جایگزینی مراجع انسانی در نظام اجتهاد و تقلید می‌باشد.



تبیین معانی سه‌گانه موضوع در لسان اصولیین

سخن ما در باب قواعد دلالت هوش مصنوعی در اثبات موضوع حکم شرعی بود. در آن مقام، اصطلاح موضوع را تبیین نمودیم و یادآور شدیم که این واژه در لسان اصولیین بر سه معنای متمایز اطلاق می‌گردد:

نخست: موضوع منطقی است؛ بدین معنا که موضوع در تقابل با محمول لحاظ می‌شود؛ یعنی همان نهادی که حکم بر آن بارگشته است؛ چه در جملات متعارف و چه در مقام بیان حکم شرعی در قضایای شرعیه. برای نمونه، حق تعالی می‌فرماید: «آتُوا الزَّكَاةَ» یا «أَقِمِ الصَّلَاةَ». در عبارت: «آتُوا الزَّكَاةَ»، زکات موضوع قضیه است؛ اما به چه اعتبار؟ بدان لحاظ که اگر بخواهیم صورتی منطقی به این قضیه ببخشیم، می‌گوییم: «الزَّكَاةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَكْلُفٍ». در این ساختار، «الزَّكَاةُ» موضوع و «وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَكْلُفٍ» حکم یا محمول قضیه است. این نخستین اصطلاح بود.

دومین اصطلاح: موضوع در برابر متعلق است. متعلق حکم چیست؟ متعلق حکم، همان فعل مکلف است؛ افعال مکلفین یا به تعبیری فعل مکلف، متعلق حکم محسوب می‌شود. در اینجا مراد از متعلق، آن چیزی است که «یطلب وجوده»؛ یعنی مطلوب‌الوجود است. آن حقیقتی که ایجادش مطلوب است، همان فعل مکلف می‌باشد که عنوان متعلق بر آن صدق می‌کند. در مقابل متعلق، ماهیتی به نام «مفروض‌الوجود» داریم که «لا یطلب وجوده»، بلکه «یفرض وجوده» است؛ یعنی وجودش مفروض انگاشته می‌شود و طلب شارع به ایجاد آن تعلق نمی‌گیرد؛ مانند آیه شریفه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۱. چنانچه بخواهیم این آیه را به قضیه‌ای منطقی و روشن مبدل سازیم، می‌گوییم: «یحج الحج علی المستطیع» یا «علی المکلف المستطیع». در اینجا آنچه مطلوب‌الوجود است و مکلف باید آن را ایجاد نماید، «حج» است که فعل اوست؛ پس حج متعلق است. اما «المستطیع» یا «المکلف المستطیع» نیازی به ایجاد ندارد؛ بدین معنا که بر ما واجب نیست خود را مستطیع گردانیم تا حج بر ما واجب شود؛ بلکه می‌فرماید اگر مستطیع بودی، حج بر تو واجب است. به

تعبیر محقق نائینی رحمته الله علیه تمامی احکام کلیه شرعیه از همین سنخ می باشند؛ یعنی مشتمل بر یک مطلوب الوجود (متعلق) و یک مفروض الوجود هستند که اصطلاحاً به آن «موضوع» می گویند. تعبیر ایشان چنین است که قضایای حملیه شرعیه از این قبیل، قابل ارجاع به قضایای شرطیه هستند. همین قضیه «يجب الحج علی المستطیع» به این صورت بازگشت می کند: «إن وجد مستطیع» یا «إن استطاع المكلف وجب علیه الحج». تمامی احکام کلیه شرعیه که حکم در آنها به فعلی تعلق یافته، قابل تبدیل به قضیه شرطیه هستند. مثلاً «تجب الصلاة علی کل مكلف بالغ» در واقع یعنی «إن وجد مكلف بالغ وجبت الصلاة علیه». این نیز معنای دوم موضوع بود.

معنای سوم موضوع، ناظر بر امر خارجی در مقابل امر ذهنی است؛ آنجا که سخن از «شبهه موضوعیه» به میان می آید. به عنوان مثال، اگر در حلیت قطعه گوشتی شک کنیم که آیا «مذکّی» است یا خیر؛ گوشتی در بازار است و قصاب قصد فروش آن را دارد، شک در ترکیه آن در حقیقت شک در «میته» بودن است. این شک، شبهه موضوعیه است و نه شک در خود حکم. گاهی در اصل حکم شک می کنیم، مثلاً نمی دانیم اکل لحم حیوان خاصی شرعاً جایز است یا خیر؛ این شبهه حکمیه است. اما گاهی حکم را می دانیم؛ مثلاً آگاهیم که «لحم غنم» جایز الاکل و حلال است، اما تردید داریم که این گوشت خارجی، گوشت گوسفند است یا سگ. این را شبهه موضوعیه می نامند. یا شک می کنیم که آیا ترکیه شده است یا خیر؟ مراد از موضوع در اینجا، امر خارجی است؛ یعنی در انطباق حکم بر این موجود خارجی شک داریم، نه در اصل تکلیف و حکم کلی. می دانیم که «لحم المذکّی یجوز أكله» و «لحم غیر المذکّی لا یجوز». حکم «لحم الغنم»، «لحم الکتب»، «لحم الخنزیر» و «لحم البقر» مشخص است، اما در این مصداق خارجی تردید داریم.

پس این نیز معنای سوم موضوع بود. اکنون در مقام اثبات موضوع، برای رهایی از شک، این بحث مطرح می شود که با فرض شک، وظیفه ما چیست؟ علما در اصول و فقه بدین مسأله پرداخته اند که اگر به اصل تکلیف علم داشتیم اما در «مکلف به» شک نمودیم؛ یعنی علم به اشتغال ذمه داشتیم اما نمی دانستیم این امر خارجی مصداق مکلف به هست یا خیر، در اینجا «اصالة الاحتیاط» جاری می گردد. اما اگر شک در اصل تکلیف بود، مجرای «اصالة البرائت» است. مثلاً اگر در حلیت یا حرمت اصل اکل غذایی شک داشته باشیم، قاعده «کلّ شیء لک حلال حتّی تعلم أنّه حرام بعینه» جاری می شود که همان اصالة الحلیة یا برائت است. اما اگر حکم کلی را می دانستیم (مثلاً حرمت میته و حلیت لحم مذکّی) و علم داشتیم که یکی از این دو ظرف حتماً میته است، در اینجا علم به تکلیف داریم اما در متعلق آن شک داریم. به تعبیر مرحوم شیخ رحمته الله علیه اینجا شک در مکلف به است و اصالة الاحتیاط جاری می شود.

وجوب فحص و انواع آن در احکام شرعی

در پیوند با هوش مصنوعی، چندین بحث مطرح است. یکی از آنها این است که در چه مواردی «فحص» واجب است و آیا می توان از هوش مصنوعی در این مسیر بهره جست؟ فحص به معنای کاوش و پژوهش برای نیل به معلومی است که مجهول مانده است. در احکام شرعی، سه گونه وجوب فحص متصور است.

نخست: «وجوب فحص قبل التشریح» است. فرض کنید شخصی اصلاً مسلمان نیست یا تدینی ندارد و اکنون در اصل وجود آفریدگار یا وجود شریعتی صاحب احکام الزامی، شک دارد. چنین فردی اگر احتمال وجود مولا را می دهد، فحص بر او واجب است.

فحص پیش از تشریح بدین معناست که هنوز علم به وجود مشرّع و نظام تشریح حاصل نشده است. در اینجا «یجب علیه تحصیل العلم». فرد باید به تحقیق و پرسش بپردازد؛ این همان مبحث «وجوب نظر» در علم کلام است که امری کلامی است و نه فقهی. مقصود از وجوب نظر، همان وجوب تحقیق پیرامون وجود خداوند است. هیچ کس در روز بازپسین نمی تواند در مقام عذر بگوید: «من نمی دانستم خدایی هست یا حکمی دارد». بدان جهت که از او پرسیده می شود: «چرا جست و جو نکردی؟». این مضمون در روایات ذیل آیه شریفه «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»^۱ آمده است که خداوند می پرسد: «أَفَلَا عَمِلْتُمْ بِمَا عَلِمْتُمْ؟» و اگر بنده بگوید نمی دانستم، خطاب می رسد: «أَفَلَا تَعَلَّمْتُمْ؟»^۲. این «أَفَلَا تَعَلَّمْتُمْ» حکمی عقلی است؛ چرا که هنوز به وجود شرع نرسیده تا حکم شرعی باشد؛ اما عقل حکم می کند که اگر خدایی باشد و تو بدون تحقیق اعراض کرده باشی، مستحق عقابی. این استحقاق عقاب، حکم عقل است. ما در اینجا براهین عقلی متعددی داریم؛ از جمله استحقاق عقاب در مخالفت با تکلیف مولای احتمالی. احتمال وجود خالق واجب الإطاعة، برای حکم عقل به استحقاق عقاب در صورت مخالفت، کفایت می کند. گاهی نیز از طریق قاعده دفع ضرر محتمل یا فوات منفعت لازمه، این حکم عقلی ثابت می شود؛ حکمی که در مرتبه مولویت، به استحقاق عقاب از سوی مولا بدل می گردد.

نمی دانم شایسته است به این مسأله ورود کنیم یا خیر؛ ولیکن در نوشته های برخی فضلاء حوزه می بینم که مدعی اند احکام شرعی بر پایه رابطه «موالی و عبید» تنظیم نگشته و اینها روابطی عرفی بوده که به شرع سرایت کرده است؛ این سخنی ناصواب است. روابط عرفی موالی و عبید، خود مقتبس (برگرفته) از رابطه با مولای حقیقی است. عقل حکم می کند که تو خود، خویشتن را خلق نموده ای: «أَمْرٌ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ»^۳. پس تو را آفریدگاری است و سرانجامی به نام مرگ. در قرآن کریم بر دو رکن «ایمان بالله و الیوم الآخر» تأکید و افری شده است؛ چنان که گاه ایمان به رسول را ذکر نمی فرماید، مانند «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...»^۴. علت آن است که این دو، ریشه در عقل دارند. هر انسانی با اندکی تأمل درمی یابد که نخست آفریدگاری دارد و دوم در برابر او مسئول است. این همان «ایمان بالله و الیوم الآخر» است که وجوب فحص را در پی دارد؛ فحصی که باید تا نیل به اطمینان و تحصیل «مؤمن» (آنچه مایه ایمنی از عقاب است) تداوم یابد. پرسش اینجاست که آیا در تحصیل این مؤمن می توان به هوش مصنوعی تکیه کرد؟

اما فحص «بعد التشریح» خود بر دو گونه است که مجموعاً سه نوع فحص را رقم می زند. پس از اثبات وجود خدا و شریعت و رسول، علم اجمالی به تکالیف حاصل می شود. در اینجا نیز وجوب فحص به حکم عقل و شرع پدید می آید. عقل می گوید

۱. «بگو: [دلیل رسا] و قاطع برای خداست [دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد]. و اگر او بخواهد، همه شما را هدایت می کند»؛ [سوره انعام: ۱۱۴۹].

۲. «عَنْ هَارُونَ عَنْ ابْنِ زَيْدٍ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي أَ كُنْتَ عَالِمًا؟ فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ؟ وَإِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ؟ فَيُخَصَّمُ. فَتِلْكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ: از جعفر بن محمد عليه السلام شنیدم که در پاسخ به پرسشی درباره کلام خدای متعال: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» فرمود: همانا خداوند متعال در روز قیامت به بنده می فرماید: «بنده من، آیا [در دنیا] دانا بودی؟» پس اگر بنده بگوید: «آری»، خداوند به او می فرماید: «پس چرا به آنچه می دانستی عمل نکردی؟»؛ و اگر بگوید: «نادان بودم»، خداوند به او می فرماید: «پس چرا در پی آموختن زنتی تا [وظایف] را بیاموزی و بدان عمل کنی؟». در این هنگام بنده مغلوب و محکوم می شود؛ و این است همان «حجت بالغه» (برهان رسا و قاطع الهی)؛ [بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۲۹].

۳. سوره طور: ۳۵.

۴. سوره احزاب: ۲۱.

اکنون که دانستی خدایی هست و احکامی الزامی دارد، باید با این احکام آشنا شوی تا از عقاب، ایمن گردی. این همان فحص از ادله احکام شرعی است که وظیفه مجتهد می باشد.

نوع سوم، فحص مقلد است. برای کسی که مقدورش نیست تمام عمر را صرف تحصیل اجتهاد و جست و جوی ادله نماید، و خوب فحص دیگری متوجه اوست؛ یعنی فحص از «عالم به ادله». او باید به جست و جوی مجتهدی برآید تا به فتوایش عمل کند. پس ما سه مرتبه فحص داریم: فحص از مشرع، فحص از دلیل (کار مجتهد) و فحص از عالم (کار مقلد).

جایگاه هوش مصنوعی در تحصیل یقین و قطع نوعی

در تمامی این مراتب، فحص باید تا حصول اطمینان به «مؤمن» ادامه یابد. در مرتبه نخست، یقین برهانی لازم است. در مرتبه دوم، مجتهد باید به «دلیلیت دلیل» یقین یابد، نه لزوماً به خود حکم؛ چرا که اگر یقین داشت این دلیل، حجت است، حتی در صورت خطا نیز معذور خواهد بود. در مرتبه سوم، مقلد باید به جامعیت شرایط مجتهد (علم و عدل) یقین حاصل کند. علم بدان سبب که رجوع به نادان معنا ندارد و عدل بدان جهت که اطمینان یابیم سخن او موافق با حقیقت یافته های اوست.

حال سخن در این است که آیا یقین حاصل از هوش مصنوعی در این مراحل سه گانه کفایت می کند؟ پیش تر گفتیم که یقین بر دو قسم است: شخصی و نوعی. یقین شخصی برای خود فرد حجت است و عقل او را مجزی می داند. اما در فحص های نوع دوم و سوم، جایی که مجتهد می خواهد حکمی را به دست آورد که برای دیگران حجت باشد، «یقین نوعی» لازم است. چرا یقین شخصی کافی نیست؟ بدان سبب که در ادله جواز رجوع به عالم، عنوان «عالم» قید شده است. کسی که از طریقی غیرمتعارف و خاص خود (قطع شخصی) به مطلبی برسد که دیگر اهل علم از آن طریق به قطع نمی رسند، عرفاً به او «عالم» نمی گویند. عالم کسی است که علمش از طریق «قطع نوعی» حاصل شده باشد؛ یعنی هر کس دیگری نیز آن مسیر را بیوید، به همان نتیجه برسد. اگر هوش مصنوعی به گونه ای باشد که تنها برای یک نفر علم آور باشد، خروجی آن نمیتواند مصداق علم معتبر برای رجوع دیگران باشد.

آری، اگر هوش مصنوعی چنان باشد که بتواند «قطع نوعی» ایجاد کند، می تواند ابزار فحص مجتهد قرار گیرد. مثلاً مجتهد برای اطمینان از عدم وجود منحصص یا مقید برای یک «عام»، از هوش مصنوعی بهره ببرد و این فحص چنان دقیق باشد که برای همگان علم آور باشد؛ در این صورت مجزی است.

هوش مصنوعی و مسأله مسئولیت پذیری در تقلید

پرسشگر: بله، نکته ظریفی است؛ حال اگر این قطع نوعی برای خود مقلد حاصل گشت چه؟
 استاد: اگر قطع نوعی برای مقلد حاصل شود، او دیگر مقلد نیست بلکه در آن مسأله به اجتهاد رسیده است. ولیکن پیش تر اشارت رفت که هوش مصنوعی خود «عالم» نیست؛ بلکه ابزاری برای تحصیل علم است. نمی توان بدان رجوع کرد؛ زیرا ادله ای چون «فَسْئَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ»^۱ بر هوش مصنوعی صدق عرفی نمی کند. عالم باید دارای قدرت تشخیص، اختیار و تمیز صحیح از سقیم باشد؛ درحالی که در هوش مصنوعی این کاربر است که تمیز می دهد. البته هرچه داده ها دقیق تر باشد، معرفت حاصله نیز عمیق تر خواهد بود؛ اما این فرقی با مطالعه یک کتاب تنظیم شده دقیق ندارد.

پرسشگر: بله، ولیکن سخن در این است که ما چگونه از احاطه صد درصدی داده‌ها در هوش مصنوعی و صحت آنها اطمینان یابیم؟

استاد: دقیقاً؛ همان‌گونه که فرمودید، این تحصیل قطع نوعی تنها برای «متخصص» میسور است. تنها یک متخصص می‌تواند تشخیص دهد که این داده‌ها و نحوه ترکیب و تجزیه آنها تا چه حد صحیح و استوار است.

نکته بنیادین که قبلاً نیز در بحث اجتهاد و تقلید مطرح نمودیم، ماهیت تقلید است. برخلاف تصور رایج که تقلید را صرفاً عمل به فتوا می‌دانند، ما معتقدیم تقلید یعنی «تحمیل مسئولیت موافقت با واقع بر عهده مجتهد». این معنا مستفاد از روایات است؛ نظیر آنچه در برخورد امام صادق علیه السلام با ربیعه الرأی گذشت که حضرت فرمود مسئولیت بر عهده ضامن است. فتوا دادن یعنی پذیرش مسئولیت عمل شخص جاهل. چنان‌که عرب‌ها می‌گویند: «ذبها علی رغبة عالم و اخلص منه»؛ یعنی بار مسئولیت را بر دوش عالم بگذار و خود را خلاص کن. معنی «حجت» نیز همین است؛ یعنی کسی که صلاحیت پذیرش این مسئولیت را دارد. هوش مصنوعی چون فاقد عقل و «روح حی» است، نمی‌تواند بار مسئولیت را بر دوش کشد. به همین دلیل تقلید از میت را نیز جایز نمی‌دانیم؛ زیرا میت دیگر مسئولیت‌پذیر نیست و نمی‌تواند در صورت بروز شبهه، در فتوای خود تجدید نظر نماید. خلاصه آنکه جوهره تقلید، مسئولیت‌پذیری است و چون هوش مصنوعی فاقد این ویژگی است، حتی اگر فحس آن، مایه قطع نوعی باشد، نمی‌توان در مقام تقلید بدان رجوع نمود.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

